

فصل‌نامه بین‌المللی علمی - تخصصی مطالعات زبان فارسی (شفای دل سابق)

سال هشتم، شماره بیست و یکم، بهار ۱۴۰۴ (صص ۱۵۳-۱۸۴)

مقاله پژوهشی

Doi: [10.22034/jmzf.2026.546225.1250](https://doi.org/10.22034/jmzf.2026.546225.1250)

بررسی روان‌شناسانه عقده حقارت در شخصیت‌های ضد قهرمان منظومه خاوران‌نامه براساس نظریه آلفرد آدلر

محمد امیر مشهدی^۱، بایرام مراد مرادی^۲، هما مشهدی^۳

چکیده

خاوران‌نامه ابن‌حسام خوش‌سلی یکی از برجسته‌ترین و قدیمی‌ترین منظومه‌های متون حماسی- مذهبی در ادب فارسی است و به لحاظ شخصیت‌پردازی از مقام ممتازی برخوردار است. در خاوران‌نامه، حضرت علی(ع) به‌عنوان قهرمان مطلق خیر و حقیقت در برابر مجموعه‌ای از ضدقهرمانان قرار می‌گیرد. از آنجایی که آثار بزرگ، نمایانگر فرهنگ و تمدن مردمان کهن است، بی‌شک قهرمانانش نماینده گونه‌های شخصیتی آن جوامع به شمار می‌آیند. می‌توانیم این شخصیت‌ها را در روان‌شناسی، و نظریه عقده حقارت بررسی کنیم. آلفرد آدلر، بنیانگذار مکتب روانشناسی فردی، در این زمینه نظریات مهمی دارد. این پژوهش با رویکرد روان‌شناسی فردی آلفرد آدلر به بررسی رفتارهای ضدقهرمانان می‌پردازد تا مهم‌ترین عوامل عقده حقارت در شخصیت‌های خاوران‌نامه را با کندوکاو درونی شخصیت‌ها بررسی نماید و نشان دهد که اغلب واکنش‌های تخصیصی آنان محصول عقده حقارت در برابر قدرت وجودی و معنوی امام علی(ع) است. نتایج مقاله حاضر که با روش توصیفی- تحلیلی انجام شده، نشان می‌دهد که اساس شکل‌گیری صحنه‌های حماسی خاوران‌نامه، تقابل اسلام و کفر است که با هدف تربیت افراد صورت می‌گیرد. به طور کلی ۴۵ شخصیت ضد قهرمان در خاوران‌نامه وجود دارد که نویسندگان در این مقاله به بررسی مهم‌ترین جلوه‌های عقده حقارت در رفتار برجسته‌ترین شخصیت‌های ضدقهرمان پرداخته‌اند. با تحلیل گفتار و رفتار شخصیت‌های ضدقهرمان، مکانیسم‌های جبرانی عقده حقارت به‌عنوان سازوکار اصلی بروز خصومت و انکار در شخصیت‌های منفی متن معرفی شده‌اند که خود را به اشکال ترس، خشم، تکبر، انتقام‌جویی، حسادت، تنفر، برتری‌طلبی نشان داده است. در نهایت، نسبت میان حقارت روانی و فروپاشی اخلاقی در سرنوشت این ضدقهرمانان تبیین شده است.

واژه‌های کلیدی: روان‌شناسی فردی، شخصیت، عقده حقارت، آلفرد آدلر، ضدقهرمان، خاوران‌نامه، ابن‌حسام خوش‌سلی.

^۱ - استاد گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه سیستان و بلوچستان، سیستان و بلوچستان، ایران (نویسنده مسئول).

mashhadi@lihu.usb.ac.ir

^۲ - دانش‌آموخته کتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه سیستان و بلوچستان، سیستان و بلوچستان، ایران.

Morai.bairam@yahoo.com

^۳ - دانشجوی کارشناسی ارشد روانشناسی دانشگاه سیستان و بلوچستان، سیستان و بلوچستان، ایران.

Ha.mashhadi98@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۶/۱۸ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۱/۰۴

۱. مقدمه

احساس حقارت از جمله عواطفی است که هر فرد در زندگی روزمره خود به شکلی آن را تجربه می‌کند. ادبیات به دلیل ماهیت و حوزه گسترده‌اش، با سایر رشته‌های علوم انسانی همچون روان‌شناسی، زبان‌شناسی، جامعه‌شناسی، فلسفه، عرفان، تاریخ و غیره اشتراک موضوعی دارد. در این میان رابطه ادبیات و دانش روان‌شناسی از اهمیّت و عمق بسیار زیادی برخوردار است و بسیاری از روان‌شناسان برجسته معاصر، نظریه‌های روان‌شناختی خود را بر پایه آثار ادبی ارائه نمودند (ر.ک: قوام و قبول، ۱۳۸۶: ۵۰). عقده حقارت از جمله مباحثی است که در علم روان‌شناسی به آن پرداخته می‌شود. «آلفرد آدلر نظریه خود، درباره عقده حقارت را از آثار شکسپیر و نویسندگان متأثر از وی یعنی استاندال و داستایوفسکی برگرفته است» (اسپریر، ۱۳۷۹: ۳۴). از دیدگاه آلفرد آدلر (Alfred Adler) انسان از نظر زیستی و روان‌شناسی، موجودی است که پیوسته احساس حقارت را با خود دارد. این احساس ناشی از نقص جسمی و روانی همواره با اوست. اشخاصی که عقده حقارت دارند، ممکن است برای جبران این عقده به کنش‌ها و واکنش‌های خطرناکی دست بزنند و مولّد مفاصد بزرگی در جامعه باشند. همچنین آن‌ها در مسائلی چه جزئی و چه کلی، افراد را در مقابل هم قرار می‌دهند و برای جلب توجه دیگران، ممکن است مرتکب انواع پلیدی‌ها شوند و آسیب‌های جبران‌ناپذیری به بار آورد. در این پژوهش، نویسندگان برآنند تا جنبه‌های عقده حقارت را در شخصیت‌های ضد قهرمان منظومه خاوران‌نامه خوسفی براساس نظریه روان‌شناسی آلفرد آدلر بررسی نمایند.

۱-۱. بیان مسئله و سؤالات تحقیق

از آنجایی که ارتباط موضوعی ادبیات و روان‌شناسی غیر قابل انکار است؛ از این رو پژوهش حاضر با روش توصیفی-تحلیلی سعی دارد تا بدین پرسش اصلی پاسخ دهد که با توجه به اهمیت شخصیت و نقش آن در فرایند تحلیل و با توجه به گستردگی نظریه‌های شخصیت در حوزه روان‌شناسی آیا شخصیت‌های ضد قهرمان خاوران‌نامه ابن‌حسام خوسفی از عقده حقارت برخوردارند یا خیر؟

۲-۱. اهداف و ضرورت تحقیق

آلفرد آدلر از بنیانگذاران مکتب روان‌شناسی فردی است و اساس این مکتب بر مفاهیمی همچون احساس حقارت، عقده حقارت و سازوکار جبران بنا نهاده شده است. این مقاله با هدف واکاوی یکی از مهم‌ترین درون‌مایه‌های دیدگاه آلفرد آدلر به نام «عقده حقارت» در شخصیت‌های ضد قهرمان «خاوران‌نامه ابن‌حسام خوسفی» انجام شده است. با بررسی‌های لازم و خلأ تحقیقات موجود در زمینه بحث موردنظر، ضرورت انجام این پژوهش آشکار می‌شود.

۳-۱. پیشینه تحقیق

در مورد عقده حقارت، پژوهش‌هایی که از جهت مفهوم و موضوع به تحقیق حاضر نزدیک‌تر است، ذکر می‌شود. از جمله آن‌ها، مقاله «بررسی و تحلیل شخصیت کوش پیل‌دندان بر پایه نظریه عقده حقارت آلفرد آدلر» از ستار عبدالله‌پور و همکاران (۱۴۰۱) که نویسندگان، مکانیسم‌های جبران کوش پیل‌دندان در رابطه با عقده حقارت عضوی و طردشدگی را بدرفتاری با دیگران، بدبینی، دروغ‌گویی، مبالغه‌گویی، شاهدبازی، روی آوردن به کامیابی‌های فوری، حيله‌گری، دوگانگی رفتار، زودرنجی و

انتقادناپذی، خودکامگی، خودبزرگ‌بینی و خودشیفتگی عنوان کرده‌اند. نتایج مقاله «شخصیت ویس با نگاه به نظریه عقده حقارت آلفرد آدلر» از طیبه عبدالله‌زاده و همکاران (۱۳۹۹) نشان می‌دهد که ویس به سبب نادیده گرفته شدن، شکست در عشق و پرو و از دست دادن پدر، دچار عقده کهرانگاری شده است که این عقده به شکل تناقض در رفتار، حس برتری جویی، رشک و حسد و... در وی نمایان شده است. نتیجه مقاله «بررسی و تحلیل شخصیت ابن‌رومی براساس نظریه عقده حقارت آدلر» از حسن مجیدی و همکاران (۱۳۹۴) حکایت از آن دارد که حضور احساساتی نظیر حسادت، بدبینی، تنفر، ترس در وجود ابن‌رومی، نشان از نهادینه بودن عقده حقارت در شخصیت اوست. همچنین مقاله‌ای با عنوان «بررسی عقده حقارت در شخصیت بوسهل زوزنی براساس روایت بیهقی» با قلم ابوالقاسم قوام و احسان قبول (۱۳۸۵) موجود است که نتیجه گرفته‌اند حقارت در شخصیت بوسهل زوزنی، او را به رفتارهایی همچون تکبر، انتقام، تنفر، حسادت و غیره وا می‌داشته است. با توجه به اینکه تحقیقی در این زمینه یافت نشد، مقاله حاضر نگاشته شد.

۲. بحث و یافته‌های تحقیق

۲-۱. درباره منظومه خاوران‌نامه و نویسنده آن

منظومه خاوران‌نامه از مشهورترین ولایت‌نامه‌های فارسی، سروده ابن‌حسام خوسفی در قرن نهم است. ولایت‌نامه یک نوع ادبی مشهور در تاریخ ادب فارسی بوده که امروزه فراموش شده است. در ولایت‌نامه، داستانی به نظم و به لحن حماسی درباره قهرمانی‌های امیرمؤمنان علی (ع) شرح داده می‌شود که غالباً آمیخته به افسانه است. ابن‌حسام به جز خاوران‌نامه، چندین ولایت‌نامه دیگر نیز سروده است (خوسفی، ۱۳۶۶: ۱۸۰-۱۹۵). ابن‌حسام خاوران‌نامه را -که برخی خاورنامه نیز نامیده‌اند- در قالب مثنوی

و در بحر متقارب مثنی محذوف سروده است. او کتاب را با ذکر توحید خداوند آغاز کرده، خرد و دانش را ستوده و پس از مناجات به ستایش مقام نبوت پرداخته است (خوسفی، ۱۳۸۲: ۶۳-۴۳). خاوران‌نامه «یکی از حماسه‌های قدیمی شیعی است که حدود ۲۲۵۰۰ بیت است و در خصوص جنگ‌های حضرت علی (ع) سروده شده است» (احمدی بیرجندی، ۱۳۶۴: ۲۰).

در مورد خاوران‌نامه، در کتاب حماسه‌سرایی در ایران چنین آمده است: «از حماسه‌های قدیم دینی شیعه خاوران‌نامه است در شرح احوال و داستان‌هایی از علی بن ابیطالب علیه‌السلام. موضوع اصلی خاوران‌نامه، سفرها و حملات علی علیه‌السلام است به سرزمین خاوران به همراهی مالک اشتر و ابوالمحن و جنگ با قباد، پادشاه خاورزمین و امرای دیگری مانند تهماسب‌شاه و جنگ با دیو و اژدها و امثال این وقایع. ناظم کتاب مدعی است که موضوع منظومه خود را از یک کتاب تازی انتخاب کرده است و این چنانکه می‌دانیم خاصیت بیشتر کتب حماسی ملی تاریخی (دینی) ایرانست که لامحاله مبتنی و مستند بر اصلی بوده و سازندگان آن‌ها مستقیماً در جعل روایات و احادیث دخالت نداشته‌اند» (صفا، ۱۳۸۹: ۳۷۷). موضوعاتی همچون مناقب، مراثی، ذکر سجایای اخلاقی پیامبر (ص) و معصومین (ع) گرامیداشت علم و عمل، نکوهش ریا و سالوس، بی‌اعتباری دنیا، عبرت از مرگ و غیره (بیدختی و واعظی، ۱۳۹۲: ۴۳). در این کتاب قابل توجه است.

«ناظم خاوران‌نامه مولانا محمد بن حسام‌الدین مشهور به ابن حسام از شعرای قرن نهم متوفی به سال ۸۷۵ هجری است. ابن حسام، مردی زهدپیشه و زارع بود و به قناعت در دیه‌ی به نام خوسف از قراء قهستان خراسان که اکنون جزو بیرجند و قایناتست، روزگار می‌گذاشت» (صفا، ۱۳۸۹: ۳۷۸). «وی نام و نسب خود را در پایان قصیده‌ای در مدح پیامبر ذکر می‌کند و می‌گوید:

نامی که جز به نام تو نامی نمی‌شود نام محمد بن حسام محمد است

و عنوان شعری او در همه اشعارش «ابن حسام» است و این تخلص گونه در پایان بسیاری از قصاید وی تکرار شده است. ابن حسام با طبع مقتدری که داشت و خاصه با همه مهارت خود در قصیده‌سرایی و مدح ستایش خواجگان «بی‌وجود» عهد خویش فرو گذاشته، به ستایش بزرگان دین همت گماشته و خود را بدانچه از طریق سعی و کار فراهم می‌آمده، خرسند می‌داشته است. ابن حسام از خاندانی شیعه مذهب بود و در فنون ادب علوم شرعی و اخبار و آثار و سیر بزرگان دین مهارت بسیار داشت. وی از تمام این اطلاعات در اشعارش استفاده کرده و به همین دلیل قصایدش مشحون به آیات اخبار و مضامین بند به قرآن کریم است. از دیگر توانایی‌های او، آن است که به راحتی زبان را از پارسی به تازی می‌گرداند و در قصیده‌های پارسی، ابیات تازی می‌گنجاند دولت‌شاه سمرقندی [ر.ک: سمرقندی، ۱۳۸۲: ۴۳۸-۴۳۹] و قاضی نورالله شوشتری تاریخ وفات این شاعر را سال ۸۷۵ هـ ق ذکر کرده‌اند (صفا، ۱۳۸۲: ۳۱۷-۳۱۵) و (ر.ک: اصغری طرقي، ۱۳۹۲: ۲۲). ابن حسام از جمله شاعران وارسته، متعهد و نام‌آشنایی است که به انگیزه خدمت به دین و نشر تعلیمات آن، ادبیات دینی و مذهبی را به کمال رسانده است و در دیوان و خاوران‌نامه به خوبی توانسته ابزار و امکانات شاعرانه و صناعات ادبی را با اندیشه‌های دینی و اعتقادات و باورهای مؤمنانه خویش پیوند دهد (واعظی، ۱۳۹۰: ۱۱). ابن حسام با آثار حماسی به خصوص شاهنامه فردوسی انس و الفتی خاص داشته است و خاوران‌نامه وی در بحر متقارب بر وزن شاهنامه فردوسی و به همان سبک و سیاق قرن نهم هجری سروده شده است» (ناصر، ۱۳۷۸: ۱۳۲).

۲-۲. آلفرد آدلر و عقده حقارت

آلفرد آدلر، روان‌پزشک اتریشی که می‌توان او را به حق، پدر نهضت جدید روان‌شناسی اجتماعی در روان‌کاوی دانست (بیانلو، ۱۳۹۰: ۵۴). او از اولین پیروان و یکی

از اعضا فعال گروه روان‌کاوان وین بود. در سال ۱۹۱۱ وقتی نظر خود را برای سایر اعضای گروه ارائه کرد، واکنش آنان چنان خصمانه بود که آدلر مصمم شد مکتب روان‌شناسی فردی را بنیان‌گذاری کند. نظریه او، این است که انسان در اصل به وسیله عوامل اجتماعی برانگیخته شود نه عوامل بیولوژیک. آدلر عقیده داشت که انگیزه اصلی و اساسی انسان، تلاش برای برتری جویی، تمایل به ارتقای خویشتن، مدیریت چالش‌ها و حرکت به سوی کمال و خودسازی است. تلاش برای برتری جویی ناشی از حقارتی است که کودک در زمان نوزادی و کودکی به علت ناتوانی و وابستگی به دیگران تجربه می‌کند. این احساس‌ها فرد را برمی‌انگیزد تا این احساس حقارت واقعی یا خیالی را با به‌کارگیری توانایی‌های خود یا سخت کار کردن جبران کند (شولتز، ۱۳۸۴: ۱۳۱).

فروید برای اولین بار تعبیر عقده حقارت را مطرح ساخت، اما شخصی که حقارت را اساس نظریه خود در روان‌شناسی قرار داد، آلفرد آدلر بود. نظریه آدلر (۱۹۳۹) بر این اصل استوار است که احساس کمبود، نیروی محرکه اساسی برای تمام فعالیت‌های بشری است. عقده حقارت زمانی ایجاد می‌شود که فرد نمی‌تواند حقارت‌های معمول خود را جبران کند و لذا احساس درماندگی می‌کند. به اعتقاد آدلر «اساساً انسان بودن، یعنی احساس حقارت کردن» (آدلر، ۱۳۸۴: ۹۶) آدلر برخلاف فروید، که غریزه‌ها را انگیزه اصلی رفتار می‌دانست و برخلاف یونگ که صورت‌های ازلی را رهبر انسان می‌دانست، بر جنبه اجتماعی بودن انسان تأکید می‌ورزید (کریمی، ۱۳۷۴: ۹۵). به نظر آدلر وجود ناتوانی و ضعف در همه کس، عقده حقارت ایجاد می‌کند و کوشش‌های بعدی او در زندگی مصروف جبران یا پوشاندن این عقده حقارت می‌شود، پس احساس حقارت اگر از حد تجاوز نکند، سبب پیشرفت آدمی است (کریمی، ۱۳۷۴: ۹۵).

۳-۲. شخصیت

شخصیت نقش کلیدی و اساسی در داستان دارد. اشخاص داستان عامل یا معمول رخدادهايند، یعنی رخدادها توسط آن‌ها انجام می‌شود و یا برای آن‌ها پیش می‌آید و

به هر روی معنای خود را با نسبتی که با آنان دارد، به دست می‌آورد. از سوی دیگر بدون وقایع و رخدادها داستان و شخصیت داستانی موجودیت نمی‌یابد؛ بنابراین همواره باید به رابطه دوجانبه و تنگاتنگ میان شخصیت و طرح داستان توجه داشت (اخلاقی، ۱۳۷۶: ۱۶۸). به طور کلی شخصیت در داستان، بازتاب تصورات و اندیشه نویسنده است و نویسنده با خلق اشخاص زنده و دقیق از محیط پیرامون خود و وارد کردن آن‌ها در دنیای داستان خود سعی می‌کند که اثرش با مخاطبان رابطه‌ای تأثیرگذار و جذاب و ماندنی‌تر برقرار کند و به نوعی افکار و اعمال خود را در وجود شخصیت‌های داستانش بیان نماید.

۲-۴. حضرت علی (ع)، شخصیت قهرمان خاوران‌نامه

حضرت علی (ع) که مظهر قدرت و دلاوری است، از طرف پیغمبر خود، حضرت محمد (ص)، مأموریت می‌یابد که به سرزمین خاوران بیاید و شاهان بیدادگر و مردمان آن سرزمینان را که راهی به جز یکتاپرستی در پیش گرفته بودند، هدایت کند و آن‌ها را به دین بزرگ اسلام مژده دهد. علی (ع) این نقش را در نهادهای مختلف اجتماعی به خوبی ایفا می‌کند و در موقعیت‌های مختلف به درستی عمل می‌نماید و در مبارزات خود در نهاد دین هم موفق و پیروز و سربلند بیرون می‌آید. حضرت امیر در خاوران‌نامه مصاف‌های زیادی با دیوان و موجودات افسانه‌ای داشته است و این همان باور دینی اسلامی است که باید با هر نیروی اهریمن‌ستیزی که مظهر پلیدی است، مبارزه نمود. حضرت امیر (ع) در چنین مواقعی آیه ستر را می‌خواند تا از شر موجودات اهریمنی در امان بماند» (بینا تملی، ۱۳۹۴: ۴۰۵-۴۰۶).

از آنجایی که «حضرت علی (ع) در حماسه خاوران‌نامه، نبردهای زیادی با کافران آن سرزمین می‌نماید، با مدد الهی قادر می‌شود که خاوران زمین را به تصرف خود و

لشکریان اسلام درآورد؛ از این رو در این حماسه او را خاوران‌گشای هم می‌گویند و در این نبردهایی که انجام می‌دهد و چون حضرت علی (ع) دریافت که دشمن کینه‌توز نهضت اسلامی را باید از سر راهش بردارد، حتی یک لحظه نیز برای از بین بردنشان تردید نکرد تا نهضت به پیش بتازد و در برانگیختن روح حماسی و ایجاد انگیزهٔ شدید بر واقعیتی که برای آن می‌جنگد و تا حصول نهایی آن باید بکوشند؛ بنابراین همهٔ افراد سپاهش را در حالت بیداری انقلابی نگه می‌داشت. پهلوانان بزرگ سپاه اسلام از جمله مالک رزم‌ساز، ابوالمحن، سعد دلاور و غیره چون به هدف و رسالتی که داشتند، همیشه در کنار حضرت بودند و دلاوران جنگیدند» (همان: ۴۰۸). در مورد دیگر شخصیت‌های خاوران‌نامه باید گفت که برخی مانند مالک‌اشتر، ابوالمحن، عمروبن معدی کرب و عمرو امیه، واقعیت تاریخی دارند که دلاوری‌هایشان در غزوات صدر اسلام، ورد زبان‌ها و آشناست و پاره‌ای دیگر از شخصیت‌های داستانی هم چون عملاق، قرطاس و عبدوی صرفاً ساختهٔ ذهن شاعر است و تنها باید از دید حماسی بدان نگریست، اما گروه سوم شخصیت‌هایی هستند از شاهنامه به خاوران‌نامه راه یافته‌اند که این حسام‌گانه برای ذکر مثال و تشبیه و تأیید مطلب خود و گاه به عنوان شخصیتی مستقل در داستان‌هایش از آن‌ها استفاده می‌کند از جمله رستم، اسفندیار، بیژن، جمشید، بهمن، زال، سام، ضحاک، کاووس، کیخسرو، کیقباد، گسته‌م، گودرز، گیو، منوچهر و غیره (ر ک: بهنام‌فر و خسروی، ۱۳۹۲: ۲۴). به طور کلی شخصیت‌های خاوران‌نامه را می‌توان به دو گونهٔ شخصیت‌های مثبت و منفی تقسیم کرد. شخصیت‌های مثبت که قهرمان را همراهی می‌کنند و می‌توان از پیامبر(ص)، سعد وقاص، دل‌افروز، ابوالمحن، سفیان، خداوند، مالک، قنبر، سروش، هاتف، کامکار، زن خاوران، پشنگ، فریبرز، میرسیاف، دلدل، میرزندهارخوار، نگین‌بک، پیر زاهد، گلچهر، عمر، دژبان، خالد، جبرئیل، عمروامیه، گل‌اندام، فیروزشاه، خضر نبی، پادشاه آدمی

خوارگان، شمامه، فتاح، خمار ملعون، عیان منجم نام برد. شخصیت‌های منفی در مقابل قهرمان قرار دارند و ضد قهرمان هستند.

۲-۵. شخصیت‌های ضد قهرمان در خاوران‌نامه

تعداد شخصیت‌های منفی و ضد قهرمان در خاوران‌نامه، ۴۳ مورد است و در تمامی آن‌ها نشانه‌های عقدهٔ حقارت مشاهده می‌شود که پس از ذکر نام این شخصیت‌ها، مشخصه‌های عقده‌های حقارت در برخی از مهم‌ترین شخصیت‌های ضد قهرمان بررسی می‌شود. شخصیت‌های ضد قهرمان در خاوران‌نامه عبارتند از: عنقاشاه، ساحران و جادوگران، دیوان و نیروهای اهریمنی، شاه هند، شیپال جادو، نوادر، قطار، جیم، هلال هبیره، سفیان، چپال، خاوران شاه، کامکار، قباد، ایلاق ترک، مردم دژ، رعد عمار، میرسیاف، دیوان، اژدها، گلچهر، شاپور، جمشیدشاه، نوشاد، هومان، هاموس، عیان منجم، جهان‌گیر، اردشیر، ارمان حاجب، دژبان، طاغون، قره، خمار ملعون، عثمان، بهمن، کامکار، فیروزشاه، پری‌دخت، غلام، زن خاوران، شهریار بن ناهید شاه، تهماس شاه، زال، قبطشاه، ارغون کوهی، سمداد، سمرق، صلصال، کوشیار، عاد، نوراین، سام، سربال، قهرمان، شمامه، طهماسب، مره، قرطاس ساحلی، مهیار، شداد. هم‌پوشانی نقش در کتاب *خاوران‌نامه* از تغییر حوزهٔ کارکردی یاری‌گر شیر به یاری‌گر قهرمان است و دلیل این تغییر، حوزهٔ پذیرش دین اسلام از طرف آن شخصیت‌هاست این شخصیت‌ها عبارتند از: دل‌افروز، سفیان، کامکار، زن خاوران، فریبرز، میرسیاف، میزنهار خوار، گلچهر، فیروزشاه، خمار ملعون، عیان منجم. اینک با معرفی چند مورد از شخصیت‌های ضد قهرمان، ویژگی عقدهٔ حقارت را در آن‌ها بررسی می‌نماییم.

۲-۶. تحلیل عقدهٔ حقارت در شخصیت‌های ضد قهرمان در خاوران‌نامه

۲-۶-۱. عنقا شاه: مظهرِ غرور جبرانی و کفر

عنقا شاه، فرمانروای خاوران، شخصیتی است سرکش، خودکامه و مغرور به قدرت، که از شنیدن نام علی (ع) برآشفته می‌شود و خود را بی‌نیاز از خدا و ولایت می‌پندارد. در بخشی از خاوران‌نامه، او با لشکری عظیم به جنگ می‌آید و در نخستین مواجهه با حضرت علی (ع)، گستاخانه و با زبان تحقیر، نبوت و ولایت را «پنداری پوچ» می‌خواند:

عنقا ز خویشتن به خدا بی‌خبر گفتا مرا کیست رزم‌آور مگر؟

(خوسفی، ۱۳۸۲: ج ۱، ۲۵۶)

این بیت نشانه کفر و غرور عنقا است و از مصادیق ضدقهرمان عقل‌گریز به شمار می‌رود. عنقاشاه، نماد نیروهایی است که در برابر ایمان و عدالت می‌ایستند. این رفتار، جلوه همان برتری‌طلبی جبرانی آدلری است؛ او از احساس پایین‌تری در برابر شأن الهی علی (ع) رنج می‌برد و برای پنهان کردن آن، به نمایش قدرت و خودکامگی پناه می‌برد. در باطن رفتارش، عنقا می‌داند که قدرت او جسمانی است، نه معنوی؛ عقده حقارت در برابر «علم و ایمان» علی (ع) او را به پرخاش و طغیان می‌کشاند و احساس خودبزرگ‌بینی می‌کند. طبق نظریه آدلر، این نوع خودبزرگ‌بینی نتیجه «احساس ناتوانی در برابر اقتدار برتر» است. آدلر می‌گوید: «هرگاه فرد احساس کند از دیگری فروتر است، برای جبران، نمایشی از قدرت ظاهری را پدید می‌آورد» (آدلر، ۱۳۸۴: ۶۳). عنقا از درک عظمت معنوی علی (ع) عاجز است و برتری‌خواهی ظاهری‌اش واکنشی دفاعی به حقارت درونی است. شکسته شدن غرورش در پایان نبرد نماد فروپاشی این جبران کاذب است.

۲-۶-۲. ساحران و جادوان خاوران: دفاع روانی از ناتوانی شناختی

گروهی از ساحران و جادوان‌اند که به فرمان پادشاهان کفر، در برابر حضرت علی (ع) جادوگری می‌کنند. رفتارشان برخلاف اصول جوانمردی است، از جادو برای فریب

و تحریف حق استفاده می‌کنند، نه برای نبرد رو در رو. در خاوران‌نامه در مورد رفتار گروهی از ساحران چنین آمده است که:

جادوگران را به میدان فرستاد تا حق علی ز دل بزایند

(خوسفی، ۱۳۸۲: ج ۲، ۱۸۵)

این رفتار، آشکارا ضدقهرمانانه است، چون هدفشان نابودی حقیقت از راه فریب است و جادو، نماد بی‌اخلاقی دشمنان حق است. همچنین این رفتار، نشانه تضاد ذاتی آنان با نور ولایت و ناتوانی از مواجهه عقلانی است. ابن‌حسام در مورد این گروه، تقابل عقل و ایمان با نیرنگ و باطل را به تصویر کشیده است. از نظر روانشناختی، این رفتار «جبران عقلانی ناکام» است؛ یعنی فرد یا گروهی به سبب فقدان اندیشه راستین، به فریب و جادو متوسل می‌شود. آدلر در کتاب کمال‌جویی انسان می‌نویسد: «وقتی فرد از مواجهه عقلانی ناتوان است، از طریق فریب یا اغراق جبران می‌کند، تا احساس مفهوم‌دار بودن را برگیرد» (آدلر، ۱۳۸۴: ۱۰۹). در خاوران‌نامه، ساحران برای پوشاندن ضعف معرفتی خود، راه نیرنگ را برگزیده‌اند و این همان حقارت شناختی است که منجر به رفتار ضدقهرمانانه می‌شود.

۲-۶-۳. دیوان و نیروهای اهریمنی: ترس به مثابه حقارت وجودی

دیوان در خاوران‌نامه، همان نیروهای ظلمت هستند که با بدن‌های هیولایی و چشم‌های آتشین توصیف می‌شوند. آنان به جای نبرد مستقیم، به جادو و فریب روی می‌آورند و از شنیدن نام علی (ع) هراس دارند تا اینکه به جنگی کور دعوت می‌شوند.

دیوان چو بشنیدند نام علی از کوه گریزان شدند از ولی

(خوسفی، ۱۳۸۲: ج ۳، ۹۲)

رفتار دیوان و ساحران که از هراس درونی آنان سرچشمه می‌گیرد، نوعی واکنش فرار از برتری روحانی است. این واکنش، بازتاب عقدهٔ حقارت وجودی است که در آن فرد نه دچار تکبر، بلکه دچار فروپاشی درونی می‌گردد. در منطق آدلری، چنین فراری نشانهٔ ناتوانی از حفظ تصویر «خود» برابر قدرت بالاتر است. گریز دیوان نمادی از شکست کامل ناخودآگاه در برابر حقیقت می‌باشد. از نظر آدلر، ترس و پرخاش دو وجه یک عقده‌اند. «ترس، اخگری از حقارت وجودی است؛ همان احساس ناکامی در برابر نیروهای برتر» (آدلر، ۱۳۸۲: ۷۴). این دیوها از روی قدرت نمی‌جنگند، بلکه از هراس کوچک‌بودن در برابر نور ولایت خشمگین می‌شوند و حقارت وجودی‌شان به خشونت بدل می‌گردد. در چهارچوب نظریهٔ آدلر، جادو همچون ابزار جبرانی کردار است؛ فرد ناتوان از شناخت و مناظره، به سحر و نیرنگ پناه می‌برد تا احساس تسلط و برتری کاذب بیافریند. دیوان نماد تاریکی و جهل‌اند؛ حضورشان مشروعیت اخلاقی پهلوان مؤمن را برجسته می‌کند.

۲-۶-۴ پادشاهان هند و زنگبار: تجسم حقارت اجتماعی

این پادشاهان از دشمنان ولایت‌اند و در برابر دعوت حضرت علی (ع)، پاسخ خشونت‌آمیز می‌دهند. وقتی که از حضرت علی (ع) نام برده می‌شود، پادشاه هند با حالتی از کبر و غرور می‌گوید:

شاه هند از کبر گفتا به ریش نشنیده‌ام در جهان چون علی شوی خویش
(خوسفی، ۱۳۸۲: ج ۴، ۵۴)

در نمادشناسی ابن‌حسام، این شاهان نمایندگان نظام‌های ظلم و تکبر دنیایی‌اند که در برابر عدالت علوی قرار می‌گیرند. شاه هند از پذیرش عظمت روحی علی (ع) عاجز است؛ تحقیر لفظی او برای حفظ عزت قومی و پادشاهی‌اش، نوعی مکانیسم جبرانی زبانی است. در حقیقت رفتار او مبتنی بر انکار ارزش معنوی حضرت علی (ع)

و تأکید بر برتری قومی و سلطنتی خویش است. طبق نظریهٔ آدلر، افراد مبتلا به عقدهٔ حقارت، از طریق طرد دیگران و تحقیر تفاوت‌ها، هویت متزلزل خود را تثبیت می‌کنند: «حقارت اجتماعی و فرهنگی، اغلب به رفتارهای تحقیرگرانه نسبت به دیگران منجر می‌شود» (آدلر، ۱۳۸۲: ۹۷). شاه هند از ضعف فرهنگی و ضعف درونی ایمان و ترس از فروپاشی اقتدار سنتی در برابر الگوی دینی-اخلاقی علی (ع) رنج می‌برد و رفتارش آمیخته به نخوت قومی و انکار حق است؛ بنابراین برای حفظ احساس قدرت، دست به تمسخر می‌زند. این رفتار، همان «جبران تحقیر قومی» در نظریهٔ آدلر است.

۲-۶-۵. شیخال جادو: تجسم حسادت

حسادت یا همان حس بدخواهی و آرزوی زوال نعمت دیگران را داشتن، صفتی نکوهیده است که خود، ناهنجاری‌های اخلاقی فراوانی را به دنبال دارد. ریشهٔ بسیاری از غیبت‌ها، تهمت‌ها و هتک حرمت‌ها در همین حسادت نهفته است. حسادت سبب می‌شود که آدمی فضایل و خوبی‌های دیگران را انکار کند و همواره در جست‌وجوی عیب آنان باشد. حسادت زمانی بروز می‌کند که فرد این احساس را داشته باشد که دیگران به او اهمیت نمی‌دهند یا فکر کند مورد تبعیض قرار گرفته است. حسادت از رهگذر تصوّر منفی نسبت به نوع رفتار دیگران پدید می‌آید و بیشتر جنبهٔ تخریبی پیدا می‌کند (همان: ۱۵۳). از آنجایی که محتوای خاوران‌نامه بر نبرد بین اسلام و کفار تأکید دارد، شخصیت‌های منفی در رویارویی با شخصیت‌های مثبت درصدد براندازی و نابودی آنان بوده‌اند، اما به این موفقیت هرگز دست نیافته‌اند و این حس حسادت همچنان در وجودشان جوشش داشته است؛ بنابراین، همواره تلاش‌های بی‌ثمری برای نابودی قهرمانان انجام داده‌اند. شاه خاور و بزرگان گرد هم جمع شدند تا برای نابودی حضرت علی (ع) تدبیری بیندیشند (خوسفی، ۱۳۸۶: ۵۰۲).

حسادت شییهال جادو نسبت به ابوالمحجن و مالک: ترتیب دادن مهمانی شییهال جادو جهت نابودی ابوالمحجن و مالک با خوراندن غذای زهرآلود به آنان (همان: ۵۳۸).
ابوالمحجن به باغی می‌رود با خوردن میوهٔ طلسم شده توسط شییهال جادو، بی‌هوش در باغ می‌افتد (همان: ۴۷۹).

حسادت خمار ملعون به پیامبر اکرم (ص): خمار ملعون از پادشاهان سرزمین خاور، تصمیم به نابودی پیامبر^(ص) و ویرانی یشرب می‌کند (رک: همان: ۱۴/۲۹۱-۱).
حسادت خاوران نسبت به حضرت علی (ع): خاوران، غلامی را به کشتن علی (ع) فرمان می‌دهد و با دادن انگشتی او را ترغیب به این کار می‌کند. غلام به سپاه علی (ع) وارد می‌شود و زهر را در کوزهٔ آب می‌ریزد (همان: ۴۹۵).

حسادت شاپور نسبت به مالک: شاپور که از مالک، کینه به دل داشت، سپاه خویش را در دشت مستقر می‌کند و با طرح دسیسهٔ رفتن به شکار، مالک را به دشت می‌برد و بر وی حمله‌ور می‌شوند (همان: ۲۲۳).

هرکدام از این موارد، ریشه در حس حسادت دارد. فرد حسود و کافر بر پایهٔ حسادت نهفته در درون، اعمالی غیراخلاقی انجام می‌دهد که حتی حاضر به کشتن و نابودی طرف مقابل خود است. نیرنگ شاه خاوران برای نابودی امام علی (ع) در خاوران‌نامه چنین آمده است:

و زین جا فرستاده‌ای چرب‌گوی
که باغ سخن را دهد رنگ و بوی
روان کن سوی حیدر نامدار
مکن راز پنهان خویش آشکار
بگویش که خواهم مسلمان شدن
قدم رنجه گردان به نزدیک من
چو بر چاه باشد علی را گذر
به چاه بلا اندر افتد مگر

(همان: ۱۵/۵۰۲-۶)

۲-۶-۵. هلال، ایلاق ترک: نماد تکبر و غرور کاذب

یکی از ویژگیهای مهم و اساسی افراد دچار عقده حقارت، تکبر است. ابتدایی‌ترین مشکل تکبر این است که افراد مغرور خودشان را انسان‌های مهمی تصور می‌کنند و با رفتار بی‌شرمانه خود احساس بزرگی و برتری می‌کنند (آدلر، ۱۳۸۲: ۱۴۷). «منش فرد متکبر زمانی ارضا می‌شود که با ترفندهای خاصی خود را به دیگران برتری بخشد و با انتقاد شدید، منش دیگران را جریحه دار کند. فرد متکبر همیشه می‌داند که چگونه بار مسئولیت کار خودش را به دوش دیگران بیندازد. نظر وی همیشه حق به جانب اوست و این دیگران هستند که اشتباه می‌کنند (همان: ۱۴). در حماسه‌ها تکبر در رجز خوانی‌ها به خوبی مشهود است و خاوران‌نامه که تقابل کفر و اسلام است، تکبر در قالب تفاخر به خوبی خود را نشان می‌دهد. در نبرد تن به تن میان هلال هبیره با ابوالمحسن، ابن حسام شخصیت هلال را سرشار از غرور و تکبر معرفی می‌کند:

دلیری هلال هبیره بنام برآهیخت تیغ نبرد از نیام
 به نزدیک ابوالمحسن آمد ز دور سری پر زکین و دلیری پر غرور
 گرفتند نیز هم آنکه به دست گشادند بازو چو پیلان مست
 (خوسفی، ۱۳۸۶: ۱۶/۷۰-۱۲)

در نبرد میان ایلاق ترک و سعد وقاص؛ ایلاق ترک این‌گونه با غرور کاذب به معرفی خود می‌پردازد:

همی‌گفت ایلاق جنگی منم هشیوار و بیدار و سنگی منم
 به بازو اگر خم دهم خام را فرود آرم از چرخ بهرام را
 چو تیغ من آینه تابی کند که از عکس او آفتابی کند
 کنون کیست مردانه‌تر زین سپاه که با من بگردد به آوردگه
 (همان: ۱۴/۱۶۸-۹)

۲- ۶- ۷. شیخال جادو و جمشیدشاه: نمادی از کینه و تنفر

تنفر یکی از صفاتی است که افراد مبتلا به عقده حقارت دارا هستند. تنفر به صورت آشکار وجود ندارد؛ بلکه خود را در لفافه نشان می‌دهد؛ برای مثال تنفر ممکن است در قالب رویکرد انتقادی سربسته ظاهر شود یا تنفر ممکن است آن قدر توسعه یابد که باعث شود فرد تمام روابط اجتماعی خود با دیگران را از دست بدهد. (آدلر، ۱۳۸۲: ۱۵۷-۱۵۸) بر این اساس یکی از مؤلفه‌های اصلی تنفر در شخص، بریدن از جامعه و اطرافیان اوست که خود را در اشکال متفاوتی از قبیل دشمنی، توطئه، دسیسه، فریبکاری و... نشان می‌دهد. این صفت در شخصیت‌های ضد قهرمان خاوران‌نامه نمایان است. برای مثال در رفتار شیخال جادو در مهمانی‌ای که قصد خوراندن غذای زهرآلود به مهمانان علی (ع) را دارد، کاملاً مشهود است:

بیایید فردا به مهمان من	که منت بسی هست بر جان من
بیامد شتابان به پای حصار	بیاراست شهر از در شهریار
ز میشینه و اسب و گاو شتر	بسی خان‌های تهی کرد پر
(خوسفی، ۱۳۸۶: ۵۳۷-۹-۵)	
بفرمود تا خوان بینداختند	سماطی که شاید بپرداختند
سه کاسه که زهر اندرش کرده بود	بیاورد و در پیش بنهاد زود
(همان: ۱۸/۵۳۸-۲۱)	

چون جمشید از نبرد با علی (ع) به ستوه می‌آید، با بزرگان جمع شده تا چاره‌ای برای برداشتن علی (ع) از سر راه خود بیندیشند. یکی از بزرگان حاضر در جمع چنین نظر می‌دهد که با فریب‌کاری و دسیسه، شاه، فرستاده‌ای به جانب علی (ع) بفرستد و بگوید که من می‌خواهم مسلمان شوم و او را به جانب خود فراخواند؛ بنابراین در پیش سراپرده خویس چاهی حفر کرده و در آن پر از تیغ و نیزه و سنان و غیره گذاشته و روی آن با خار و خاشاک بپوشاند، چون به نزدیکت آمده در چاه افتاده و جان سالم به در نخواهد برد. از قضا تصمیم بر این شد تا این کار اجرایی شود. هنگامی

که فرستاده به جانب علی (ع) می‌رود، از مسلمان شدن جمشیدشاه خبر می‌دهد. علی (ع) خوشحال می‌شود و دعوت جمشیدشاه را می‌پذیرد. چون علی (ع) به نزدیک سراپرده می‌رسد، به درون چاه می‌افتد، ولی علی (ع) به سلامت از آن چاه دسیسه بیرون می‌آید (خوسفی، ۱۳۸۶: ۵۰۲). نفرت در شخصیت‌های ضدقهرمان خاوران‌نامه خود را در قالب دشمنی، فریب و دسیسه به نمایش گذاشته است؛ به گونه‌ای که هر کدام از پادشاهان خاورزمین، ساحل و قام و... چون توان مقابله با نیروهای حق را ندارند، مجبور به اقدامات شوم می‌شوند. قطار برای رهایی و نجات از شر این دو گرد نام‌آور اسلام (سعد و دل‌افروز) نیرنگی ترتیب می‌دهد؛ بدین‌سان که این دو را در تابوتی گذارند به بهانه‌ی اینکه یکی از سران سپاهش کشته شده و او را به سرزمین خودشان برای دفن می‌برند تا به آسانی آن دو را نابود کند:

بفرمود تا همچنان زیر بند چو مرده به تابوتش اندر فکند
چنین گفت با نامور صد سوار کز ایدر بریدش به سوی حصار
(همان: ۱۷/۷۲-۶)

چنین پاسخ آمد که در رزمگاه یکی نامور کشته شد زین سپاه
کنون می‌بریمش سوی مرز خویش به آیین و پیمان و اندرز خویش
(همان: ۸/۷۳-۷)

۲-۶-۸. شاه خاوران: تناقض رفتاری

فرد مستبد چون یک فرد خودکامه است، هر کجا شرایط را مهیّا ببیند، به زانو می‌افتد، زمین را نیز می‌بوسد و این را به این امید انجام می‌دهد که روزی از فراز تخت قدرت، شاهد زانو زدن دیگران و ناکامی آن‌ها باشد، تمام این تناقض‌گویی‌ها به مانند عناصری هستند که در مجموع یک پیکره واحد را تشکیل می‌دهند و در موقعیتی، رفتار او را تحت تأثیر قرار می‌دهند (اسپربر، ۱۳۷۹: ۳۶). در خاوران‌نامه شخصیت‌هایی چون شاه

خاوران و تهماس شاه، جمشیدشاه از این صفت برخوردارند. اگرچه این نوع صفت ناشی از ضعف می‌باشد، اما آنان خود آن را نشانهٔ زیرکی و باهوشی خود برمی‌شمارند. شاه خاوران به ظاهر برای نجات خودش حاضر به پذیرش اسلام می‌شود، در حالی که در درون خود مخالف با چنین عملی است و در صدد است تا هنگامی که شرایط مهیا شود چهرهٔ واقعی خود را آشکار سازد. وی برای جبران کمبود قدرت و دستیابی به اهداف شوم خود، در مقابل حریف زانو می‌زند:

به دل گفت اگر خود مسلمان شوم بترسم که روزی پشیمان شوم
همان به که نیرنگ پیش آورم یکی چارهٔ کار خویش آورم
زبان گر به ایمان درآرم همی که داند که در دل چه دارم همی
بگویم دروغی به فرمان خویش ببندم زبانش به گفتار خویش
(خوسفی، ۱۳۸۶: ۲۲/۲۷۱-۱۸)

این تناقض در رفتار تهماس‌شاه نیز دیده می‌شود که به ظاهر و برای نجات جاننش، دین اسلام را می‌پذیرد:

زبانش به توحید اقرار کرد دل اندر پذیرفتن انکار کرد
وزیر گران‌مایه با کوتوال به دین اندر آمد ز راه کمال
(مرادی، ۱۳۸۲: ۲۴/۲۴۷-۲۳)
همه مردم دژ مسلمان شدند ز آیین پیشین پشیمان شدند
بفرمود تهماس تا خوان نهند همه بارگه مرغ بریان نهند
(همان: ۲/۲۴۸-۱)

۲-۶-۹. قنارشاہ و صلصال‌شاہ: حس انتقام‌جویی

«انتقام خود از جمله جبران‌های احساس کهنتری است که دارندهٔ آن را وادار می‌کند بر اثر عیوب خود از دیگران انتقام بگیرد» (منصور، ۱۳۷۵: ۵۰). در حافظهٔ فرد

قدرت طلب، هر رخداد کوچک و بزرگی که از دیدگاه او به نوعی توهین‌آمیز بوده یا هر چیزی که خاطر او را آزرده نموده، در ذهنش حک شده است. این افراد رنجیدگی را هرگز از یاد نمی‌برند. حس انتقام‌جویی از حس آزرده‌گی و رنجش بیش از حد ایشان نشئت می‌گیرد. اراده و عطش قدرت‌طلبی، بیماری افراد ضعیف و ناتوانی است که کینه همه را به دل گرفته‌اند (اسپربر، ۱۳۷۹: ۵۸). در خاوران‌نامه نمونه‌های زیادی از انتقام وجود دارد که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود.

قطار پادشاهی است که خوی اهریمنی دارد و مانند شخصیت ضحاک در شاهنامه فردوسی است، خورش او تن آدمی است. این پادشاه دیومنش پس از مرگ برادرش، نوادر، به کین‌خواهی و انتقام‌جویی وارد جنگ می‌شود:

کز این جایگه برنشانم سپاه به کردار آتش برانم سپاه
 بگیریم دل‌افروز گمراه را همیدون مر آن هر دو بدخواه را
 (خوسفی، ۱۳۸۶: ۲۲/۶۷-۲۰)

همی هر سه را زنده بریان کنم بر ایشان دل سنگ گریان کنم
 بگفت این و آن‌گه سیه کرد کوس کمر بست بر جوشن آبنوس
 (همان: ۲/۶۸-۱)

در جایی دیگر قطارشاه وارد جنگ با سپاه حضرت علی (ع) می‌شود که علی (ع) خود به مبارزه با قطار می‌رود. قطار در مقابل علی (ع) از پذیرفتن دین سر باز می‌زند:

چو حیدر سخن‌های کافر شنید
بدانست کاو مرد پیکار نیست
بدو گفت از اینجا بپرداز جای
که تا من شوم پیش قطار گرد
بزد اسب و آمد به دشت نبرد
همه غره گشتی به بازوی خویش
مگر سر درآری به فرمان من
درآیی به دین خدای و رسول
برآشت قطار جنگ‌آزمای
بگفت این نه آیین و راه من است
به سعد دلاور همی بنگرید
به میدان، هم‌آورد قطار نیست
همی باش پیش سواران به جای
مر او را نمایم یکی دستبرد...
به قطار گفت ای فرومایه مرد
ندیدی کسی همترازوی خویش...
نپیچی سر از پند و پیمان من
کنی از من اسلام و ایمان قبول
به کردار آتش برآمد زجای
سر تیغ برآن گواه من است
(خوش‌کنار، ۱۳۷۶: ۱۰۳-۱۰۲)

صلصال‌شاه لشکری به سرکردگی فرزند ارشدش سربال که از سپهداران بزرگ سرزمین قام است، به یاری تهماس می‌فرستد، ولی پیش از گسیل کردن لشکریان و به هنگام رایزنی با بزرگان یکی از مشاوران و خردمندان بارگاه صلصال، به نام کوشیار می‌گوید: من در دیوان دال چنین دیدم که مردی از سپاه عرب به خاورزمین می‌شتابد و پس از فتح خاور به ساحل زمین گراییده و از آن سرزمین رستاخیز برمی‌آورد، سپس روی به قام می‌نهد و صلصال‌شاه را از تخت به زیر می‌کشد. نام این ابرپهلوان علی (ع) است. بدین جهت این مرد هوشیار توصیه می‌کند که از جنگ و بیداد با علی (ع) بپرهیزد و می‌گوید: تو را با علی یارای جنگ نیست (مرادی، ۱۳۸۲: ۲۷۴). سرانجام پسران صلصال در نبرد با علی (ع) کشته می‌شوند و پسر دیگر وی درصدد انتقام برمی‌آید:

منم نامبردار و فرزند شاه پناه بزرگان و پشت سپاه
 کسی را که صلصال باشد پدر سزد گر به مردی ببندد کمر
 بجوشید بهر برادر دلم روان را ز تیمار او بگسلم
 گر ابدون که امروز فرمان دهی به فرّ تو فرمان پذیرد رهی
 (خوسفی، ۱۳۸۶: ۱۳۸۶-۵/۱)

حس انتقام‌جویی در شخصیت‌های خاوران‌نامه ناشی از بی‌خردی آنان در برابر اسلام است. دید و دانش آنان نسبت به اسلام و شخصیت‌های دینی اندک بوده و با پیروی از وسوسه‌های شیطانی درصدد تصاحب قدرت و مقام بوده‌اند. این امر موجب آلودگی و تیرگی و در نهایت پرورش خشم، انتقام و نفرت درونی آن‌ها شده است.

۲- ۶- ۱۰. شاه قهرمان و دیگر پادشاهان: تجسم خشم

خشم و غضب عارضه‌ای روحی است که گاهی انسان به آن دچار می‌گردد. در اسلام تأکید شده است که مسلمانان از آن بپرهیزند. البته یک پهلوان باید بداند که چه وقت نرمی و فروتنی به کار گیرد و چه هنگام از خشم و غضب بهره ببرد؛ زیرا نرمی و درشتی، دو صفت شایسته و لازم برای هر پهلوانی است که مکمل یکدیگرند، نه متضاد با هم. به طور مثال، هیچ پهلوانی نمی‌تواند تحمل نظرهای نادرست و تحقیرهای حریف خود را بکند. پس در این مواقع، به خشم و غضب متوسل می‌شود (ر.ک: اسلامی ندوشن، ۱۳۵۵: ۴۲۳-۴۲۴). «خشم انفعالی است که مظهر و تجلی جاودان قدرت طلبی و برتری‌جویی به شمار می‌آید. این احساس به روشنی نشان می‌دهد که هدفش از بین بردن سریع موانعی است که بر سر راه فرد عصبانی قرار دارد. فرد خشمگین فردی است که با جدیت، نیرو و توان خود را به کار می‌گیرد تا بر دیگران برتری یابد. تلاش فرد برای بازشناسایی گاه به شکل قدرت طلبی جاودانگی درمی‌آید.

وقتی این اتفاق می‌افتد با افرادی رو به رو می‌شویم که کمترین محرک‌ها که حس قدرتمندی آن‌ها را تحریک می‌کند، با خشم زیاد پاسخ می‌دهند» (آدلر، ۱۳۸۲: ۱۸۴).
عقده حقارت گاهی به صورت خشم در شخصیت‌های منفی خاوران‌نامه بروز می‌کند و ناشی از حس خود کم‌بینی فرد نسبت به خویشان است. شاه قهرمان از درخواست و تهدیدهای علی (ع) عصبانی می‌شود و تن به مبارزه می‌دهد:

چو بشنید شاه این پیام درشت تو گفتی که دولت براو کرد پشت
خروشید کای نامدار انجمن دهید این فرستاده را پیش من
ز سر تا به پایش به شمشیر تیز کنید اندر این بارگه ریزه ریز
(مرادی، ۱۳۷۷: ۱۷/۶-۱۵)

خشمگین شدن صلصال در طی نبرد با علی (ع):

برآشفت صلصال و گفت ای دریغ که بشکست از این سان گران‌مایه تیغ
(مرادی، ۱۳۸۲: ۱۹/۲۸۷)

خشمگین شدن قطار در نبرد با سعدوقاص که برآشفتن او در هنگام نبرد از خشم زیاد او نشأت می‌گیرد:

هم آنکه بیازید قطار چنگ برآشفت بر سعد همچون پلنگ
(خوسفی، ۱۳۸۶: ۱۰/۷۶-۱)

نمونه‌های دیگر بروز خشم در پادشاهان عبارتند از: خشم قطار به هنگام دعوت به دین اسلام از سوی علی (ع) (ر.ک؛ خوسفی، ۱۳۸۶، ۹/۱۰۳). خشم جمشید شاه در مقابل عمرو امیه (همان: ۱۷/۳۰۶). عصبانیت تهماس از شنیدن خبر شکست مرّه (همان: ۱۷/۲۱۶). خشم تهماس از شکست سپاهش در مقابل سران سپاه اسلام (همان: ۸/۲۲۱). خشم تهماس از کشته شدن مهیار (همان: ۶/۲۱۶). چنانچه مشاهده می‌شود در

خاوران‌نامه، بروز خشم در موقعیت‌ها و شرایط مختلف بر شخصیت‌ها موجب واکنش‌های متفاوتی از آنان شده است.

۲- ۶- ۱۱. سفیان، جمشیدشاه و شیخال جادو: نماد ترس

از دیدگاه آدلر، ترس از ویژگی آن دسته از افرادی است که در وجود خویش عقده حقارت را احساس می‌کنند و با هر وظیفه و کاری که روبه‌رو می‌شوند، آن را مشکل می‌پندارند و افرادی که در انجام کارها به توانایی‌ها و توان خود اطمینان ندارند، این صفت در شکلی از حرکات کند بروز می‌کند (آدلر، ۱۳۸۲: ۱۶۵).

در منظومه *خاوران‌نامه* ترس به شیوه‌های متفاوت و در جایگاه‌های متفاوت بروز می‌کند. داشتن ترس در حد اعتدال برای بشر مناسب است. در صورت بروز خطر، ترس می‌تواند به عنوان یک ابزار حفاظت و هشدار برای آمادگی در برابر خطر باشد. وجود ترس در شخصیت‌های داستان حماسی، ویژگی ذاتی حماسه است و موجب هیجان و حرکت داستان می‌شود. ترس یکی از عوامل تأثیرگذار حماسه است. در *خاوران‌نامه*، شخصیت‌ها در موقعیت‌های مختلف ترس را تجربه کرده‌اند و قهرمانان با ترس درونی خود که ناشی از عدم اعتماد به نفس است، باعث ایجاد صحنه‌های حماسی شده‌اند و نتایجی از قبیل نجات خود، اطرافیان به وسیله ترس رقم خورده است. سفیان قبل از پذیرش اسلام به صورت ناخواسته و برای ترس از حمله حیدر به آنان، قطار را از کشتن سعد بر حذر می‌دارد:

خردمند را بود سفیان به نام	سخن گوی و دانا و شیرین کلام
به قطار گفت ای سرافراز شاه	یکی سوی گفتار من کن نگاه
به خون دلیران میالای تیغ	که بر خون خود خورد باید دریغ

(خوسفی، ۱۳۸۶: ۱۴/۸۰-۱۱)

جمشیدشاه از ترس جان خود، مکان زندانی شدن ابوالمحقن را به علی (ع) می‌گوید:

بترسید و باز آمد و بازگفت از آن مار و آن اژدها راز گفت
(خوسفی، ۱۳۸۶: ۹/۱۳۶)

شیهال جادو هنگام برملاشدن دسیسه‌اش، در برابر سران اسلام، دچار ترس شدید شد:

بشد روی شیهال جادو ز رنگ نمی‌دید جان را مجال درنگ
ز کوپال مالک بترسید سخت بلرزید بر خویشتن چون درخت
بیامد پر اندیشه و روی زرد دو سه لقمه از پیش مالک بخورد
چو رفت از طعام از گلو در شکم همه اندرونش برآمد به هم
بیفتاد شیهال و آماس کرد روان گشت از اندام او آب زرد
(خوسفی، ۱۳۸۶: ۷-۱۱/۵۳۹)

در جدول (۱) الگوی روان‌شناختی مشترک ضدقهرمانان در خاوران‌نامه آمده است

تا برای مخاطب، درک بهتری از رفتارهای ضدقهرمانان به دست دهد:

جدول ۱: الگوی روان‌شناختی مشترک ضدقهرمانان در خاوران‌نامه

ردیف	شخصیت	عنصر رفتاری	نوع عقده (براساس نظریهٔ آدلر)	نمود در متن خاوران‌نامه
۱	عنقا شاه	غرور و خودبینی	حقارت وجودی و معنوی	انکار خدا و ولایت
۲	شاه هند	تحقیر علی توسط شاه هند	حقارت قومی و فرهنگی و اجتماعی تحقیر لفظی دیگران	گفتار کبرآمیز
۳	جادوان	جادوگری و نیرنگ ساحران	حقارت شناختی و ترس از حقیقت	فریب و سحر برای پنهان‌سازی ناتوانی
۴	دیوان سیاه	خشونت دیوان	حقارت وجودی در برابر نور الهی و گریز از واقعیت حقارت	فرار و خشم کور
۵	شیهال	حسادت	حقارت وجودی	مکر و فریب و نیرنگ
۶	هلال، ایاق ترک و...	تکبر و غرور کاذب	حقارت وجودی و ستیزه‌جویی در برابر حق	ترتیب دادن جنگ با حضرت علی (ع) و فرار از میدان نبرد
۷	شیهال جادو و جمشیدشاه	کینه و تنفر	حقارت وجودی و معنوی	طرح نیرنگ با غذای زهرآلود به یاران علی (ع) - طرح

ردیف	شخصیت	عنصر رفتاری	نوع عقده (براساس نظریه آدلر)	نمود در متن خاوران‌نامه
				نیرنگ با حفر چاه برای علی (ع)
۸	شاه خاوران و تهماسب شاه	تناقض رفتاری	ضعف و حقارت درونی	ظاهرسازی در پذیرش دین اسلام
۹	قطار و صلصال‌شاه	حس انتقام‌جویی	حس آزرده‌گی و رنجش بیش از حد	تکبر به قدرت جسمانی و کین‌خواهی حضرت علی (ع) و ستیزه‌جویی در پذیرش دین
۱۰	شاه قهرمان، قطار و صلصال‌شاه	تجسم خشم	عقده حقارت وجودی و خودکم‌بینی	عصبانی شدن در برابر درخواست‌های حضرت علی (ع) و انکار از پذیرش حق
۱۱	سفیان، شیخال‌جادو و جمشیدشاه	تجسم ترس	حقارت وجودی و عدم اعتماد به نفس و حقارت سیاسی	ترس از حمله حضرت علی (ع)-ترس از برملا شدن دسیسه-ترس از مرگ

منبع: نویسندگان

ابن‌حسام در ساخت شخصیت ضدقهرمان، همان فرایند روانی‌ای را تصویر می‌کند که آدلر تبیین کرده است: همچنان که در جدول (۱) مشاهده می‌شود، درون همه دشمنان، احساس ضعف در برابر قدرت معنوی و اخلاقی امام علی (ع) نهفته است؛ آنان برای جبران این حقارت، به نمایش خشونت، جادو، کبر و انکار حق می‌پردازند. بدین ترتیب، حماسه خاوران‌نامه، افزون بر روایت دینی، نمایش روان‌شناختی تحول از حقارت به نابودی نفس شریر است.

۳. نتیجه‌گیری

عقده حقارت مجموعه‌ای از تصورات و دریافت‌های ذهنی است که مایه عاطفی دارند و عموماً در حاله‌ای از خاطرات و پیوندهای دردناک و آزاردهنده محصور شده‌اند. در خاوران‌نامه که بن‌مایه و اساس شکل‌گیری صحنه‌های حماسی، تقابل اسلام و کفر است و با هدف تربیت فرد و تنبیه او صورت می‌گیرد، شخصیت‌های ضد قهرمان از

عقدهٔ حقارت برخوردارند صفاتی همچون؛ ترس، انتقام، نفرت، تکبر، تناقض رفتاری، حسادت، خشم و غیره است و ریشهٔ این صفات ناشی از برتری‌جویی و قدرت‌طلبی است که هر کدام از سران کفر بر این باورند که با براندازی اسلام می‌توانند به اهداف شوم خود دست یابند؛ از این روی با پیروی از وسوسه‌های درونی، صفات غیراخلاقی همچون خشم، انتقام، نفرت و غیره را در ذات خود نهادینه کنند. شخصیت‌های ضدقهرمان در خاوران‌نامه، از عنقاشاه تا دیوان و پادشاهان مشرک، بازتابی از رزم باطنی میان ایمان و کفر هستند. ابن‌حسام آنان را با زبان شاهنامه‌وار، اما با فلسفهٔ علوی تصویر می‌کند. بروز رفتارهایی همچون غرور، جادوگری، شرارت و انکار حقیقت، جوهر ضدقهرمانی اثر را تشکیل می‌دهد و درون‌مایهٔ اخلاقی و مذهبی منظومه را برجسته می‌سازد. این رویکرد، تلفیق روان‌شناسی فردی و تحلیل حماسهٔ دینی را ممکن می‌کند و نشان می‌دهد که رفتارهای شاهان، دیوان و جادوگران در برابر حضرت علی(ع)، برخاسته از احساس ناتوانی عمیق و تلاشی بیمارگونه برای جبران آن است. با استفاده از نظریهٔ آدلر، ضدقهرمانان خاوران‌نامه به‌مثابه شخصیت‌هایی با ساختار روانی معیوب فهم می‌شوند که می‌کوشند کمبود درونی خود را از طریق سلطه‌جویی جبران کنند، اما قدرت معنوی حضرت علی(ع) این نقاب را فرو می‌ریزد. در پایان هر نبرد، شکست آنان شکست روان بیمار و ظهور حقیقت معنوی است. در نگاه آدلری، تمام ضدقهرمانان خاوران‌نامه از عقده‌ای مشترک رنج می‌برند: احساس ضعف در برابر قدرت معنوی و الهی علی(ع). آنان برای رفع این حقارت، دست به رفتارهایی چون غرور، سحر، خشونت یا انکار حقیقت می‌زنند، اما ابن‌حسام با منطق حماسی و دینی، این رفتارها را بی‌ثمر نشان می‌دهد؛ پیروزی علی(ع) نماد پیروزی «خود سالم» بر «خود بیمار جبرانی» است و تمثیل روان‌شناختی رشد اخلاقی در برابر عقدهٔ حقارت. تحلیل براساس نظریهٔ آدلر نشان می‌دهد که ضدقهرمانان خاوران‌نامه، از لحاظ روانی نه صرفاً دشمنان دینی، بلکه شخصیت‌هایی دچار احساس کمبود ارزشی هستند. ناتوان از درک قدرت درونی علی(ع)، تلاش می‌کنند از طریق سلطهٔ بیرونی و جادو و خشونت، برتر جلوه نمایند. شکست آنان در روایت، بیان نمادین فروپاشی انسان مبتلا به عقدهٔ حقارت است و پیروزی علی(ع)، تحقق «تکامل فردی» در معنای آدلری آن؛ یعنی غلبه بر ضعف با نیروی ایمان و اخلاق. نتیجه‌گیری تحلیل ضدقهرمانان

خاوران‌نامه بر پایه نظریهٔ عقدهٔ حقارت آدلر در جدول (۲) زیر آمده است. که خلاصه‌ای از یافته‌های شواهد رفتاری و نوع مکانیسم جبرانی هر شخصیت را نشان می‌دهد.

جدول ۲: نتایج تحلیل ضدقهرمانان خاوران‌نامه بر اساس نظریهٔ آلفرد آدلر

ردیف	شخصیت ضدقهرمان	رفتار و گفتار شاخص در خاوران‌نامه	نوع احساس حقارت	سازوکار جبرانی یا رفتاری	نتیجه و پیامد نمادین
۱	عنقا شاه	گفتار غرورآمیز و انکار خداوند	حقارت در برابر اقتدار معنوی و الهی علی (ع)	غرور جبرانی و خودبزرگ‌بینی برای پوشاندن ناتوانی	شکست روانی پس از شکست از علی(ع)؛ فروپاشی غرور کاذب
۲	شاه هند	رفتار تحقیرگرانه و نخوت قومی	حقارت فرهنگی و اجتماعی در برابر مقام دینی قهرمان	تحقیر و تمسخر به عنوان دفاع روانی	رسوایی در میدان نبرد؛ بروز ناتوانی اخلاقی و فروریختن عزت دروغین
۳	جادوان و ساحران	استفاده از سحر برای مقابله با حق	حقارت شناختی و ضعف درک حقیقت	فریب و جادو به عنوان جبران عقلی ناکام	نابودی در برابر نور حقیقت؛ افشای ضعف عقل بشری
۴	دیوان و نیروهای اهریمنی	واکنش وحشت و فرار	حقارت وجودی در برابر نور ولایت	خشونت یا گریز از واقعیت برای پوشاندن ترس درونی	گریزشان نماد شکست درونی و پذیرش ناتوانی وجودی است
۵	پادشاهان دیگر (شاه خاوران و...)	انکار هدایت و تلاش برای سلطه بر قلمرو علی (ع)	حقارت سیاسی و مذهبی در برابر حق	تلاش بیمارگونه برای تسلط بر قلمرو مقدس	شکست سیاسی و روانی بازگشت نمادین به پذیرش حق

منبع: نویسندگان

جمع‌بندی کلی جدول

محور مشترک ضدقهرمانان: احساس ضعف در برابر برتری معنوی حضرت علی(ع).
الگوی رفتاری مشترک: تبدیل حقارت به غرور، فریب یا خشونت؛ همان مکانیسم جبران کاذب آدلری.

پیامد نهایی: نابودی همهٔ رفتارهای جبرانی در برابر نیروی «خود سالم» و اخلاقی علی(ع)؛ پیروزی «خود کامل» بر «خود ناقص». از منظر روان‌شناسی فردی آدلر، ضدقهرمانان خاوران‌نامه نمایندگان انسان‌هایی‌اند که در برابر کمال اخلاقی و قدرت معنوی حضرت علی(ع)، درگیر احساس ضعف و کمبود می‌شوند. هر یک با مکانیسمی جبرانی (غرور، فریب، خشونت یا گریز) می‌کوشند این حقارت را پنهان سازند؛ اما شکست آنان نشانگر فروپاشی «خود ناقص» در برابر «خود متعالی» است. بدین‌سان، ابن‌حسام در قالبی حماسی، آموزهٔ روان‌شناسی آدلر را به شکلی نمادین می‌نمایاند که درمان عقدهٔ حقارت و راه رسیدن به کمال انسانی را حقیقت‌برتری درونی می‌داند. از دیدگاه نویسندگان، کارکرد روایی ابن‌حسام در خاوران‌نامه در مورد ضدقهرمانان بر سه هدف استوار است: ۱- تأکید بر جنبهٔ حماسی ایمان: ایمان حضرت علی (ع) در برابر قدرت‌های ظاهری می‌درخشد؛ ۲- تلفیق سنت ایرانی و اسلامی: ضدقهرمانان با زبانی اسطوره‌ای معرفی می‌شوند تا خواننده از طریق تخیل حماسی، با مفهوم مبارزهٔ خیر و شر آشنا شود؛ ۳- تعلیم اخلاقی: شکست ضدقهرمانان، پیروزی معنویت و خرد است، نه صرفاً پیروزی نظامی.

کتاب‌شناسی

الف: کتاب‌ها

- (۱) آدلر، آلفرد (۱۳۸۲)، *شناخت انسان از دیدگاه روان‌شناسی فردی*، ترجمه محمدتقی جاوید، تهران: رشد.
- (۲) (۱۳۸۴)، *کمال‌جویی انسان*، ترجمه علی‌اکبر فرهنگی، تهران: البرز.
- (۳) اخلاقی، اکبر (۱۳۷۶)، *تحلیل ساختاری منطق‌الطیر عطار*، اصفهان: فردا.
- (۴) اسپربر، مانس (۱۳۷۹)، *بررسی روان‌شناختی خودکامگی*، ترجمه علی صاحبی، تهران: روشنگران و مطالعات زنان.
- (۵) اسلامی ندوشن، محمدعلی (۱۳۵۵)، *جام جهان بین در زمینه نقد ادبی و ادبیات تطبیقی*، چاپ چهارم، تهران: توس
- (۶) خوسفی، ابن‌حسام. (۱۳۶۶)، *دیوان*، مشهد: چاپ احمد احمدی بیرجندی و محمدتقی سالک.
- (۷) (۱۳۷۷)، *خاوران‌نامه*، نیمه دوم. تصحیح حمیدالله مرادی، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد، مشهد: دانشگاه فردوسی مشهد.
- (۸) (۱۳۸۱)، *خاوران‌نامه؛ نگاره‌ها و تذهیب‌های فرهاد نقاش*، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی با همکاری سازمان میراث.
- (۹) (۱۳۸۲)، *خاوران‌نامه*، تصحیح ایرج افشار، ج ۱-۴، تهران: میراث مکتوب.
- (۱۰) (۱۳۸۶)، *خاوران‌نامه*، نیمه اول، تصحیح حیدرعلی خوش‌کنار، اردبیل: مهد تمدن.
- (۱۱) سمرقندی، دولت‌شاه (۱۳۸۲)، *تذکره الشعرا*، تصحیح ادوارد براون، تهران: اساطیر.

- (۱۲) شولتز، دوان (۱۳۸۴)، *نظریه‌های شخصیت*، مترجم: یوسف کریمی، چاپ چهارم، تهران: ارسباران.
- (۱۳) صفا، ذبیح‌الله (۱۳۸۲)، *تاریخ ادبیات در ایران: از پایان قرن هشتم تا اوایل قرن دهم هجری*، تهران: فردوس.
- (۱۴) (۱۳۸۹)، *حماسه‌سرایی در ایران*، تهران: امیرکبیر.
- (۱۵) کریمی، یوسف. (۱۳۷۴)، *روان‌شناسی شخصیت*، چاپ دهم، تهران: مؤسسهٔ نشر ویرایش.
- (۱۶) مرادی، حمیدالله (۱۳۸۲)، *تازیان‌نامهٔ پارسی (خلاصهٔ خاوران‌نامهٔ ابن-حسام خوسفی)*، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- (۱۷) واعظی، مرادعلی (۱۳۹۰)، *دیوان مولانا محمّد بن حسام خوسفی*، تهران: فکر بکر.

ب: مقاله‌ها

- (۱) احمدی بیرجندی، احمد (۱۳۶۴)، «ابن حسام خوسفی، شاعری حق‌شناس، اما ناشناخته»، کیهان فرهنگی، شمارهٔ ۱۹، صص ۲۰-۱۹.
- (۲) اصغری طرقي، مژگان (۱۳۹۲)، «جنبه‌های حماسی و ویژگی‌های سبکی خاوران‌نامهٔ ابن حسام خوسفی»، دوفصل‌نامهٔ علمی تاریخ ادبیات، دورهٔ ۶، شمارهٔ ۱ (پیاپی ۷۲)، صص ۴۹-۱۷.
- (۳) بهنام‌فر، محمد و خسروی، مجید (۱۳۹۲)، «تأثیر شاهنامه بر خاوران‌نامه»، فصل‌نامهٔ مطالعات فرهنگی اجتماعی خراسان، شمارهٔ ۲۶، صص ۸-۳۵.

- ۴) بیدختی، فاطمه؛ واعظی، مرادعلی (۱۳۹۲)، «*خاوران‌نامه ابن‌حسام خوسفی در گستره حماسه‌های دینی و تاریخی*»، فصل‌نامه مطالعات فرهنگی-اجتماعی خراسان، دوره ۷، شماره ۲، صص ۳۷-۵۸.
- ۵) بینا تملی، مریم (۱۳۹۴)، «*نقش حضرت علی (ع) در خاوران‌نامه*»، مجموعه مقاله‌های دهمین همایش بین‌المللی ترویج زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه محقق اردبیلی، صص ۴۱۵-۴۰۲.
- ۶) قوام، ابوالقاسم، قبول، احسان (۱۳۸۵)، «*بررسی عقده حقارت در شخصیت بوسهل زوزنی*»، مجله ادب پژوهی، شماره ۱، صص ۷۷-۷۹.
- ۷) ناصح، محمد مهدی (۱۳۷۸)، «*خاوران‌نامه نوشداروی جان‌بخش ابن‌حسام خوسفی*»، خراسان پژوهی (فصل‌نامه مرکز خراسان‌شناسی)، سال دوم (پیاپی ۴)، صص ۱۲۹-۱۴۷.

ج: رساله‌ها

- ۱) بیانلو، طاهره (۱۳۹۰)، «*تحلیل روان‌شناسی آثار صادق چوبک*»، رساله کارشناسی ارشد، دانشگاه زنجان، دانشکده ادبیات و علوم انسانی
- ۲) خوش‌کنار، حیدرعلی (۱۳۷۶)، «*تصحیح خاوران‌نامه*»، رساله کارشناسی ارشد، دانشگاه فردوسی مشهد، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دکتر علی شریعتی.